

مطالعه جامعه‌شناختی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج

احسان خانمحمدی^۱، صیاد خردمند^۲

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

با توجه به جایگاه سرمایه‌های انسانی به عنوان یکی از نماگرهای توسعه کشور و نیز اهمیت تحصیلات در میان گونه‌های گوناگون سرمایه انسانی، این پژوهش به مطالعه عملکرد و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج پرداخته است. روش پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول لین^۱ (۱۹۷۶)، ۳۶۰ نفر تعیین، و برای دسترسی به آنها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم استفاده شد. یافته‌های بدست آمده نشان دادند که هم معدل تحصیلی و هم میزان مطالعه و انجام تکالیف درسی، در بین رشته‌های مختلف، متفاوت است. در زمینه نگرش به درس و مدرسه و احساس نسبت به آن نیز، نتایج، بیانگر پیچیدگی‌های خاصی میان دانش‌آموزان است. در نهایت با وجود معنادار نبودن ارتباط بین سرمایه اجتماعی و عملکرد تحصیلی، دو متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی همبستگی مثبت و معناداری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشتند. بنابراین برای تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و نیز سیاست‌گذاری در زمینه تحصیل علم، بهتر آن است که چگونگی برخورداری از سرمایه‌های مذکور، مورد توجه و مطمح نظر قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: عملکرد تحصیلی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی

^۱ Lin, N.

۱- مقدمه

یکی از ارکان اساسی توسعه^۲ در تمامی سطوح آن (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی)، موفقیت در تحصیل علم، آموزش در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های یکسان برای دستیابی همه‌گی افراد جامعه به این منابع است. موفقیت در زمینه‌های تحصیلی و در پی آن شغلی، به عنوان امری مسلم و ضروری در همه جوامع امروزی رو به توسعه در آمده است. چنین جوامعی چه در سطح رقابت‌های بین‌المللی و چه در جهت پیش‌بردن و ارتقاء سطح اجتماعی و اقتصادی زندگی افراد جامعه، ناگزیر از پیشرفت در تحصیل علم و صنعت می‌باشند. از این‌رو در این‌گونه جوامع، غالباً تحصیلات و به طور دقیق‌تر آموزش و پرورش اهمیت چشمگیری می‌یابد. در واقع کلید استمرار و رمز بقای هر جامعه‌ای مستلزم انتقال مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های پسین و انباشت آنها است. سازوکار^۳ یا وسیله این انتقال، نهاد آموزش و پرورش است که به معنی اعم، مترادف است با امر جامعه‌پذیری^۴؛ همان فراگردی که به واسطه‌اش به یادگیری نقش‌ها، قواعد، روابط و به طور کلی فرهنگ جوامع خود می‌پردازند. آموزش و پرورش به معنی اخص، جریانی است که افراد به وسیله آن در وضعیت‌های اجتماعی^۵، سازمان یافته و در معرض آموزش منظم دانش‌ها، مهارت‌ها، رفتارها و گرایش‌های معین قرار می‌گیرند. در هر جامعه‌ای این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن سازمان می‌یابند (علاقه‌بند، ۱۳۷۵: ۱۷). یکی از بازنده‌های تأثیرگذاری آموزش و پرورش بر فرایند توسعه را می‌توان در عملکرد، موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مشاهده کرد؛ چرا که عملکرد مثبت تحصیلی، مسیر دانش‌آموزان در دستیابی به موفقیت و کسب مناصب مهم و با اهمیت در جامعه را هموار می‌کند. یک جامعه تحصیل کرده، دارای سرمایه‌های انسانی^۶ بسیاری خواهد بود که سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در پی آن، پیشرفت و توسعه را نیز به دنبال خواهد داشت. از این‌رو در دهه‌های اخیر، حل مسائل آموزش و پرورش نه تنها مورد نظر مسئولان کشورهای مختلف قرار گرفته؛ بلکه همواره تأثیر آن در فرایند جامعه بیشتر آشکار می‌شود (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳)؛ چرا که آموزش و پرورش به عنوان یک فرایند جهت انتقال اطلاعات و داده‌های فرهنگی در قالب امر جامعه‌پذیری می‌تواند در پیمودن طریق پیشرفت و توسعه، نائل به موفقیت‌های فراوانی گردد و بدین وسیله، شرایط لازم را در جهت پویایی هر چه بیشتر جامعه فراهم آورد. امیل دورکیم^۷ با اعلام این مطلب که آموزش و پرورش سرچشمه و سرشتی اجتماعی دارد، آن را همچون فعالیت می‌داند که توسط نسل‌های بزرگ‌تر پیشین، بر روی نسل‌های پسینی که هنوز وارد زندگی اجتماعی نشده‌اند صورت می‌گیرد و هدفش، ایجاد و رشد پاره‌ای از ویژگی‌ها و اوضاع و احوال جسمی، فکری و اخلاقی است که جامعه سیاسی^۸ به طور کلی و محیط خاص کودک از آن انتظار دارد (گلشن فومنی، ۱۳۸۰: ۲۱). بر این اساس می‌توان گفت که آینده هر جامعه‌ای به کیفیت و کارایی آموزش و پرورش آن کشور بستگی دارد. از این‌رو هر چه کارایی و بهره‌دهی برنامه‌های آموزشی، مؤثرتر، برتر و مفیدتر باشد جامعه فردا سلامت و سعادت بیشتری خواهد یافت (یغما، ۱۳۶۹: ۳). در هر حال، با وجود این که آموزش و پرورش و تحصیلات نقش انکارناپذیری در حرکت جوامع به سوی توسعه و افزایش هر چه بیشتر انواع منابع و سرمایه‌های مختلف دارد، مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که سامان نهاد آموزش و پرورش در ایران چندان به سامان نیست؛ بر اساس نظر بابایی فرد و حیدریان (۱۳۹۴) در سال‌های اخیر، این تصور در حوزه آموزش شکل گرفته که وضعیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به گذشته، بسیار افت کرده است. بعلاوه، نرخ بالای مردودی و به خصوص افت تحصیلی در دوره متوسطه بسیار زیاد است (میرزابیگی، ۱۳۹۳). تلاش در راه اصلاح این امر، در مرتبه اول مستلزم شناخت چرایی و تبیین آن است. در مرتبه بعد و با دستیابی به شناخت، می‌توان در راه اصلاح و متناسب‌سازی آن با حرکت و مسیر توسعه جامعه گام‌های مهمی برداشت.

² Development

³ Mechanism

⁴ Socialization

⁵ Social Status

⁶ Human Capital

⁷ Durkheim, M.

⁸ Political Social

آموزش و پرورش در شکل جدید آن، به عنوان یک خرده نظام اجتماعی^۹، دارای فرآیند تعاملی گسترده‌ای با سایر خرده نظام‌ها و نهادهای اجتماعی^{۱۰} است. از یک سو، تاثیر انکارناپذیری بر آینده افراد داشته و به عنوان یکی از ابزارهای مهم توزیع امکانات و فرصت‌ها، می‌تواند تحرک اجتماعی را مسدود یا تسهیل نماید و از سوی دیگر، کیفیت آموزش و عملکرد تحصیلی، طی یک فرایند، زنجیره‌ای از انواع زمینه‌ها، شرایط و عوامل اجتماعی متأثر شده و بعلاوه بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بدین گونه ملاحظه می‌شود که آموزش و پرورش با انواع عوامل اجتماعی روابط تعاملی داشته و ضمن تأثیر بر آن‌ها، در بسیاری از موارد نیز می‌تواند از آن‌ها متأثر گردد. این فرایند تعاملی را می‌توان زمینه‌مند بودن و یا اجتماعی بودن^{۱۱} آموزش و پرورش خواند. عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل مختلفی، تنوع و تفاوت می‌پذیرد. در واقع همانطور که فراهانی^{۱۲} (۱۹۹۴) بیان کرده، بررسی متغیرهایی که با عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس مختلف رابطه دارد، یکی از موضوعات اساسی پژوهش در نظام آموزش و پرورش است. از میان عوامل تبیین کننده چگونگی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، متغیرهای زیست‌شناختی^{۱۳} و نه اجتماعی، همچون هوش و ضریب هوشی، مدت‌ها به عنوان یکی از این عوامل و در حالاتی، بهترین عامل محسوب می‌شد (ثمری و طهماسبی، ۱۳۸۶). اما امروزه، پژوهشگران حوزه‌های مختلف، رویکرد زیست‌شناختی در تبیین آموزش و پرورش را نامطلوب و یا حداقل تقلیل‌گرایانه و ناکافی دانسته و از این رویکرد، به عنوان روشی تک‌بعدی انتقاد می‌کنند. آنها دیدگاه تکثرگرایانه‌تری^{۱۴} را در نظر گرفته‌اند؛ که بر اساس آن، موفقیت و عدم موفقیت در آموزش و پرورش علاوه بر ضریب هوشی دانش‌آموزان، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، روانی و اجتماعی نیز تنوع و تفاوت می‌پذیرد، که از آن می‌توان به عنوان پارادایم زیستی-روانی-اجتماعی^{۱۵} در تبیین آموزش و پرورش یاد کرد. انگیزه، به عنوان یکی از عوامل مرتبط با آموزش و پرورش، همواره محرکی اساسی برای تمامی اعمال ما است. انگیزه، اشاره به پویایی رفتار ما دارد که شامل نیازهای ما، تمایلات و جاه‌طلبی‌های ما در زندگی می‌شود. انگیزه پیشرفت به عنوان یک عامل روانشناختی می‌تواند بر نحوه‌ای که یک فرد وظیفه‌ای را انجام می‌دهد و یا تمایل به نشان دادن شایستگی را دارد تأثیرگذار باشد (هاراکیویچ^{۱۶} و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از خدیوی و وکیلی مفاخری، ۱۳۹۰). مفهوم خودپنداره^{۱۷} (که خود-ساخت، خود-هویت و خود-چشم‌انداز نیز نامیده می‌شود)، به عنوان یکی دیگر از عوامل روانشناختی، می‌تواند در تبیین عملکرد تحصیلی مؤثر باشد (همان). اما تأثیر انگیزه پیشرفت، خودپنداره، حساسیت تحصیلی، جهت‌گیری هدف، کمال‌گرایی و دیگر عوامل روانشناختی، خود تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده، عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کنند؛ به عبارت دیگر آنها در بهترین حالت، نقش متغیرهای واسطه‌ای دارند. خانواده و زمینه‌های خانوادگی، چنان‌که در مطالعات تربیتی آمده، همواره ارتباط معناداری با عملکرد، موفقیت و یا عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. همانطور که قاسمی و کاظمی (۱۳۸۷) و حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰) ذکر کرده‌اند؛ امروزه تحصیلات نوجوانان، دغدغه فکری بسیاری از خانواده‌هاست، به این معنی که جوامع امروزی در یک فرایند پیچیده‌گی فزاینده^{۱۸} قرار دارند و جوانان به جهت اینکه بتوانند نقش‌های آتی خود را بهتر ایفا کنند باید مهارت‌ها و دانش‌های زیادی کسب کنند و تجربه شخصی تنها، برای این کار کفایت نمی‌کند. همچنین باید اذعان داشت که هر چند بخش‌های زیادی از وظایف فرهنگی و تربیتی نهاد خانواده، به نهادها و سازمان‌های دیگر واگذار شده، با این حال بخش زیادی از تربیت و پرورش فرزندان هنوز بر عهده خانواده‌هاست (حقیقتیان، ۱۳۹۳). بسیاری از مطالعات، موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر خاستگاه

⁹ Social Subsystem

¹⁰ Social Institution

¹¹ Societal

¹² Farahani

¹³ Biological Variable

¹⁴ Pluralistic Perspective

¹⁵ Social-Mental-Biological Paradigm

¹⁶ Harraciviche

¹⁷ Self-Conception

¹⁸ Additive Complexity

خانوادگی^{۱۹} و تجارب تحصیلی افراد می‌دانند و بر نقش خانواده و ساختار و منابع خانواده که شامل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، تأکید می‌کنند (میرزابیگی، ۱۳۹۳). بعلاوه، تحقیقات متعدّد نشان می‌دهد پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزانی که والدین آنها افرادی آگاه و آموزش‌دیده هستند و بهتر به راهنمایی آنها می‌پردازند، بیشتر است (لیتل^{۲۰} و همکاران، ۱۹۷۳، به نقل از مرزابیگی، ۱۳۹۳). به عبارت بهتر شاید بتوان گفت مهمترین عامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموزان نسبت به تحصیل، خانواده است. اینکه والدین با تحصیل دانش‌آموزان و درس و تحصیل او چگونه برخورد می‌کنند و در الگوهای تربیت خود برای چه نوع رفتارهایی ارزش قائل می‌شوند. ارزش‌های خانواده نه تنها در انگیزه و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر بسزایی دارد بلکه در رفتار و چگونگی سازگاری آنان با شرایط و موقعیت‌های آموزشی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. هنگامی که بین ارزش‌های خانواده و ارزش‌های مدرسه هماهنگی وجود داشته باشد، دانش‌آموز بهتر می‌تواند با موقعیت آموزشی سازگار شود. از سوی دیگر، ناهماهنگی بین ارزش‌های خانه و مدرسه، در کودک تعارض ایجاد کرده و سازگاری او را مختل می‌سازد که طبعاً بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی او تأثیر نامطلوبی بر جای می‌گذارد (پاشاشریفی، ۱۳۷۳: ۲۲).

از میان عواملی که توسط زمینه و تجارب خانوادگی به عملکرد تحصیلی (پیشرفت و یا افت تحصیلی) دانش‌آموز جهت می‌بخشند، می‌توان بر اساس نظر بوردیو^{۲۱} و بولز و جینتیس، سه شکل سرمایه؛ سرمایه اقتصادی^{۲۲}، سرمایه اجتماعی^{۲۳} و سرمایه فرهنگی^{۲۴} را مهمترین آن عوامل دانست. همانطور که بوردیو معتقد است سرمایه می‌تواند در سه شکل مختلف خود را نشان دهد: ۱- سرمایه اقتصادی: ثروت و پولی که هر بازیگر اجتماعی در دست دارد و به صورت دارایی و حق مالکیت مالی و مادی نهادی می‌شود و می‌تواند در تولید کالاها و خدمات به کار گرفته شود. ۲- سرمایه فرهنگی: شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نوع سخن گفتن، مدارک آموزشی و تحصیلی و قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی است که هر فرد از طریق آن می‌تواند خود را از دیگران متمایز سازد. ۳- سرمایه اجتماعی: به مقامات، پیوندها، روابط گروهی، شبکه‌های اجتماعی^{۲۵} (دوستی و نظیر آن) و یا سازمان‌ها مربوط می‌شود که فرد در درون آن قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی است که هر فردی در اختیار دارد (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۴). بر اساس نظر بولز و جینتیس بین شرایط اقتصادی، طبقاتی و نظام اقتصادی، با نظام آموزش و پرورش، تشابه و تطابق ساختاری^{۲۶} وجود دارد؛ که از این نظریه تحت عنوان نظریه بازتولید اجتماعی^{۲۷} یاد می‌شود. در واقع فرضیه اصلی این نظریه آن است که مدرسه و نظام آموزشی را نمی‌توان به عنوان نهادی مجزا از شرایط اقتصادی موجود تحلیل کرد (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۱). بنابراین می‌توان گفت کسانی که از سرمایه اقتصادی بالایی برخوردارند، در مدرسه نیز می‌توانند موفقیت بیشتری نسبت به دیگران کسب کنند. و بالعکس سرمایه اقتصادی اندک به نظر می‌رسد که عملکرد تحصیلی ضعیفی در پی داشته باشد. بعلاوه، ویژگی بارز سرمایه فرهنگی در نظر بوردیو، تحلیل سازوکار موفقیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی را که در مدرسه پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند، بنابراین بهتر و راحت‌تر می‌توانند به سطوح بالاتر تحصیلی راه یابند. بر این اساس، طبقات متوسط و بالا نسبت به طبقه پایین سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند. لذا بیشتر قادر خواهند بود این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بسپارند؛ چرا که با افزایش سرمایه فرهنگی، میزان موفقیت

¹⁹ Family Background

²⁰ Little

²¹ Bourdieu

²² Economic Capital

²³ Social Capital

²⁴ Cultural Capital

²⁵ Social Networkes

²⁶ Structural Homology

²⁷ Social Reproduce Theory

تحصیلی نیز افزایش می‌یابد (خدایی، ۱۳۸۵). به نظر کلمن^{۲۸}، در واقع، در هندسه اجتماعی، گذشته از سرمایه اقتصادی و فرهنگی، سرمایه اجتماعی نیز به سهم خود، منابع ارزشمندی را در بطن شبکه‌های اجتماعی در اختیار افراد قرار می‌دهد که میزان و نحوه برخورداری از این سرمایه، بر موفقیت‌های تحصیلی و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی^{۲۹} اثرگذار خواهد بود. سرمایه اجتماعی، معطوف به روابط حمایتی است که در درون و بیرون خانواده برقرار می‌شود (کلمن^{۳۰}، ۱۹۸۸، به نقل از سالرزاده و محبوبی، ۱۳۸۸). در نظر کلمن، تحقیقات پیشین به دلیل تأکید یک‌سویه بر عوامل مادی و اقتصادی، نقش عوامل و منابع اجتماعی در زمینه عملکرد تحصیلی را نادیده گرفته‌اند. علاوه بر کلمن، صاحب‌نظران دیگری نیز به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی پرداخته‌اند؛ اسمیت^{۳۱} و همکاران (۱۹۹۳) بین سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی در راهیابی به دانشگاه، رابطه مثبتی را مشاهده کرده‌اند. بعلاوه پارتیچمن^{۳۲} و همکاران (۱۹۹۶) نیز دریافتند که برخورداری از سرمایه اجتماعی، شانس به اتمام رساندن دوره متوسطه را افزایش می‌دهد (به نقل از نوغانی، ۱۳۸۲). بر اساس تحقیق لیچر^{۳۳} و دیگران نیز سرمایه اجتماعی نقشی مثبت در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند؛ به این صورت که دارایی کودک از سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه، احتمال ترک تحصیل وی را کاهش می‌دهد (به نقل از سالرزاده و محبوبی، ۱۳۸۸).

در نهایت، به نظر می‌رسد که سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، نقش قابل ملاحظه‌ای در تبیین و جهت‌دهی به عملکرد و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. در این زمینه پژوهش‌های تجربی چندی انجام شده است: شمس نجف آبادی و سمیعی (۱۳۷۹) در تحقیقی به مطالعه و تبیین موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از متغیرهای سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده پرداختند؛ بر اساس نتایج، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی خانواده به ترتیب بیشترین و کمترین ارتباط را با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان داشتند. بعلاوه، ارتباطی میان سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مشاهده نشد. نتایج تحقیق سالرزاده و محبوبی (۱۳۸۸) نشان داد که موفقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با متغیر سرمایه اجتماعی ارتباط معنی‌داری ندارد، اما پایگاه اقتصادی-اجتماعی ارتباط مثبت و معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشت. نتیجه تحقیق عزیززی نژاد (۱۳۹۲) نیز حاکی از ارتباط معنادار عملکرد تحصیلی با متغیر سرمایه اجتماعی است. علاوه بر پژوهش‌های مذکور، مقالات دیگری نیز همچون ایگر (۲۰۰۹)، نوغانی (۱۳۸۱)، خدایی (۱۳۸۷)، جان‌علیزاده و همکاران (۱۳۹۰) و کاوسی و خراسانی (۱۳۸۹) در ارتباط با پیوند سرمایه فرهنگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان صورت گرفته است. در زمینه ارتباط سرمایه اقتصادی خانواده با عملکرد تحصیلی نیز تحقیقات دیگری از قبیل علیزاد و سجادیه (۱۳۷۱)، صدراپی (۱۳۷۱)، به نقل از حجازی، (۱۳۸۳)، خیر (۱۳۷۶)، بوس^{۳۴} (۱۹۷۰)، فیگر^{۳۵} (۱۹۷۴)، کارویت^{۳۶} (۱۹۷۵) و استیفنز^{۳۷} (۱۹۷۶) انجام شده که اکثریت آنها بر رابطه قوی سرمایه اقتصادی و پایگاه اقتصادی خانواده با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دلالت دارند (خدایی، ۱۳۸۷).

از این رو با در نظر گرفتن موارد مذکور، در پژوهش پیش‌رو، ارتباط عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد هستند. تفاوت‌های قومی، منطقه‌ای، فرهنگی و زبانی چهره خاصی به این شهر بخشیده است. علاوه بر این، تاکنون پژوهشی به این سبک و سیاق در این حوزه و در شهر یاسوج صورت نگرفته است. در واقع این پژوهش می‌تواند نقش اعتبار بخشی به پژوهش‌های انجام شده دیگر نیز داشته باشد. بعلاوه، دوره متوسطه، یکی از مهمترین دوره‌های

²⁸ Coleman

²⁹ Economic-Social Status

³⁰ Coleman

³¹ Smith

³² Particheman

³³ Lichere

³⁴ Boos

³⁵ Figere

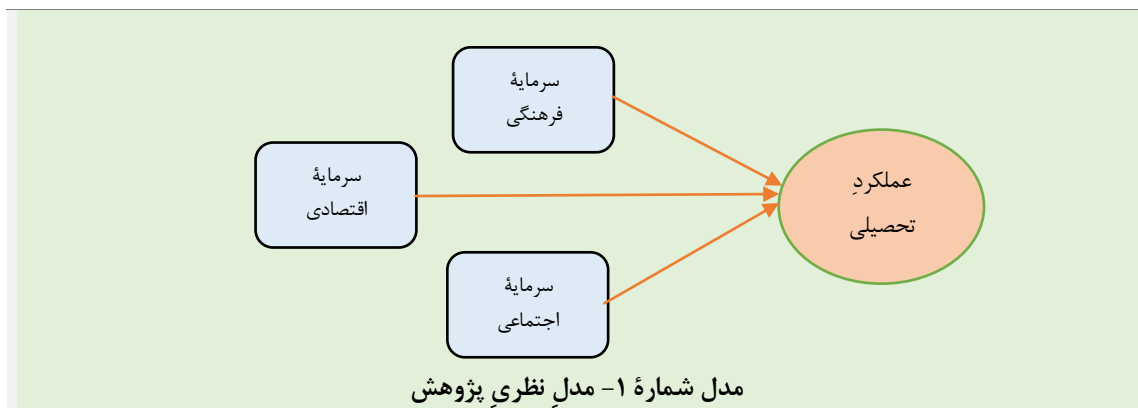
³⁶ Carvite

³⁷ Stepinse

تحصیلی در زندگی علمی دانش‌آموز است چرا که در سال‌های اخیر، با حذف دوره پیش‌دانشگاهی، این دوره، پله ماقبل از ورود به دانشگاه به حساب می‌آید؛ در واقع با موفقیت دانش‌آموز در دوره متوسطه، می‌توان گفت که موفقیت در آزمون کنکور برای او دست‌یافتنی‌تر است. بنابراین به نظر می‌رسد که عملکرد ضعیف و یا قوی در این مقطع تحصیلی، تأثیر قابل توجه و معناداری بر آینده دانش‌آموزان داشته باشد. در واقع موفقیت در این دوره، کلید راهیابی دانش‌آموزان به مقاطع بالاتر و به خصوص به دانشگاه می‌باشد. با این تفصیل، پرسش اساسی پژوهش پیش‌رو این است که وضعیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان یاسوج چگونه است و چه رابطه‌ای میان آن با سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی وجود دارد؟

۲- فرضیه‌های پژوهش

- ۲-۱- فرضیه اول: به نظر می‌رسد که ارتباط معناداری بین سرمایه فرهنگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج وجود دارد.
- ۲-۲- فرضیه دوم: به نظر می‌رسد که ارتباط معناداری بین سرمایه اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج وجود دارد.
- ۲-۳- فرضیه سوم: به نظر می‌رسد که ارتباط معناداری بین سرمایه اقتصادی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج وجود دارد.



۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- جامعه و نمونه پژوهش

این مقاله در پارادایم تحقیقات پوزیتیویستی^{۳۸} جای می‌گیرد که به صورت کمی و پیمایشی^{۳۹} (توصیفی-تبیینی) انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دوره متوسطه در شهرستان یاسوج می‌باشند. در این راستا از بین مدارس شهر یاسوج، دو دبیرستان پسرانه و دو دبیرستان دخترانه به صورت تصادفی، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند و از میان دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در آن مدارس، بر اساس جدول لین^{۴۰} (لین، ۱۹۷۶: ۴۴۶) و با ضریب اطمینان نمونه‌گیری ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۰۵ تعداد ۳۶۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شد. داده‌های مورد نیاز، در اواخر بهمن و اوایل اسفند ماه سال ۱۳۹۵ گردآوری شدند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده برای دستیابی به پاسخگویان، روش طبقه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم بوده است؛ به این صورت که نخست، دانش‌آموزان (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه) در راستای رشته-

³⁸ Positivist Researches

³⁹ Survey

⁴⁰ Lin, N.

های تحصیلی‌شان (علوم انسانی، علوم تجربی، و ریاضی-فیزیک) مورد توجه قرار گرفتند. سپس از میان آنها، نمونه مورد نظر انتخاب شد. در نهایت در طول دو هفته، پرسشنامه‌های مورد نیاز در بین آنها توزیع و جمع‌آوری گردید.

۳-۲- ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها ترکیبی از پرسشنامه ترکیبی محقق‌ساخته و دیگران ساخته بوده است. در این پژوهش، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج به عنوان متغیر وابسته^{۴۱} و سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به عنوان متغیرهای مستقل^{۴۲} مورد توجه و سنجش قرار گرفته‌اند. عملکرد تحصیلی که به معنای وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان از جنبه‌های مختلف تحصیلی از قبیل معدل تحصیلی دانش‌آموز، و نمرات دروس اصلی‌شان به تناسب رشته است، در این مقاله در دو بخش مورد بررسی قرار گرفته (خودساخته با اقتباس از "سالرزاده و محبوبی، ۱۳۸۸")؛ نخست معدل نیمسال جاری، میزان مطالعه کتب درسی در شبانه‌روز و انجام تکالیف درسی، و سپس سه پرسش با مضامین "میزان علاقه به مدرسه و کلاس درس"، "نگرش به وضعیت تحصیلی خود" و "احساس خستگی ناشی از حضور در کلاس درس" در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. برای عملیاتی‌سازی متغیر سرمایه فرهنگی که بورديو آن را عبارت از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب تعریف می‌کند، از پرسشنامه سرمایه فرهنگی بورديو (مأخوذ از گرامی، ۱۳۹۱) با "۱۶" سوال در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) استفاده شد که هدف آن سنجش ارزش‌ها و نمودهای فرهنگی و هنری در سه شاخص: ۱- تجسم‌یافته ۲- عینیت‌یافته ۳- نهادی می‌باشد. این پرسشنامه شامل انباشت ارزش‌ها و نمودهای فرهنگی و هنری ارزشمند، صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی و تمایلات و عادات دیرینی است که در فرایند "جامعه‌پذیری" و فرهنگ‌پذیری حاصل می‌شود. برای بررسی متغیر سرمایه اجتماعی نیز از پرسشنامه استاندارد سالرزاده و محبوبی (۱۳۸۸) در دو بُعد ۱- اعتماد و ۲- ارتباطات، استفاده شد. در نهایت برای بررسی دقیق‌تر، کامل‌تر و جامع‌تر متغیر سرمایه اقتصادی (به عنوان یکی از متغیرهای مستقل تحقیق)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان سنجیده شد، که عبارت است از داشتن موقعیتی در جامعه (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۹۱). برای سنجش آن، از پنج سؤال باز استفاده شده است؛ به این صورت که از پاسخ‌گویان خواسته شد شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، و میزان درآمد ماهیانه خانوادشان را مشخص نمایند.

۳-۳- اعتبار و پایایی

اعتبار^{۴۳} و پایایی^{۴۴} گویه‌های مربوط به متغیرها، به ترتیب، از طریق روش‌های اعتبار صوری و ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفت. اعتبار پرسشنامه با استفاده از نظرات چند تن از اساتید رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و روانشناسی، مناسب ارزیابی و تایید شده است. بدین ترتیب که ابتدا گویه‌های زیادی بر اساس پژوهش‌های پیشین، و مشورت با اساتید و صاحب‌نظران آماده شدند و بعد از انجام آزمون مقدماتی جهت اعتباریابی اولیه آنها، از بین همه گویه‌ها، گویه‌های مناسب انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان پایایی گویه‌ها، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن برای همه گویه‌های مربوط به همه متغیرها و ابعاد آنان در حد مقبول بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه طراحی‌شده برای انجام این پژوهش از قابلیت اعتماد کافی و اعتبار برخوردار می‌باشد.

⁴¹ dependent Variable

⁴² Independent Variable

⁴³ Validity

⁴⁴ Reliability

جدول شماره ۱- توصیف متغیرهای تحقیق، به تفکیک سطح سنجش، شاخص‌ها، ابعاد و ضریب آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	سطح سنجش	معرف‌ها	شاخص‌های اصلی	متغیرها
۰/۷۶	۲	ترتیبی	میزان اعتماد و مشورت با اعضای خانواده	فردی	اعتماد
	۲	ترتیبی	میزان اعتماد و مشورت با دوستان و آشنایان	گروهی	
	۲	ترتیبی	میزان اعتماد به گروه‌های مرجع و اولیای مدرسه		
	۲	ترتیبی	احساس اعتماد عمومی به متولیان امور و اجزای جامعه در سطوح محلی و ملی	تعمیم‌یافته	
۰/۷۸	۲	فاصله‌ای	میزان ارتباط والدین با یکدیگر و اعضای خانواده	شبکه	ارتباطات
	۱	ترتیبی	میزان ارتباط خانواده با اقوام و آشنایان	خانواده	
	۱	فاصله‌ای	تعداد دوستان صمیمی	گروه	
	۱	ترتیبی	میزان ارتباط با دوستان در خارج از مدرسه	دوستان	
	۲	فاصله‌ای	عضویت در انجمن‌ها و تشکلهای رسمی و غیر رسمی و مجازی	شبکه‌های اجتماعی	
	۲	ترتیبی	میزان فعالیت در تشکلهای		
۰/۸۱	۲	ترتیبی	مهارت در انتقال مفاهیم و توانایی پاسخ‌گویی به سوالات معلمان	تجسم‌یافته	سرمايه فرهنگی
	۲	ترتیبی	بیان مطالب جدید بدون مشکل در کلاس، توانایی فهماندن مطالب درسی به دوستان		
	۳	ترتیبی	مطالعه کتابهای غیر درسی، مجلات و روزنامه‌ها	عینیت‌یافته	
	۳	ترتیبی	علاقمندی و تماشای فیلم‌های هنری، موزه و نمایشگاه‌های هنری		
	۳	ترتیبی	تعداد کتاب‌های غیر درسی موجود در خانه، آثار هنری مثل مجسمه‌ها، نقاشی و غیره		
	۱	اسمی	مدرک تحصیلی زبان‌های خارجی	نهادی	
	۱	اسمی	مدرک مهارت در کامپیوتر		
	۱	اسمی	مدرک مهارت در یکی از هنرها و امور فرهنگی		
—	۱	اسمی	شغل پدر	—	پایگاه اقتصادی اجتماعی
	۱	اسمی	شغل مادر		
	۱	فاصله‌ای	تحصیلات پدر		
	۱	فاصله‌ای	تحصیلات مادر		
	۱	فاصله‌ای	میزان درآمد ماهیانه خانواده		
۰/۷۳	۱	فاصله‌ای	معدل نیمسال جاری	معدل	عملکرد تحصیلی
	۱	فاصله‌ای	مطالعه کتب درسی	مطالعه	
			انجام تکالیف درسی		
	۱	ترتیبی	میزان علاقه به مدرسه و کلاس درس	نگرش به	
	۱	ترتیبی	نگرش به وضعیت تحصیلی خود	تحصیلات و	
۱	ترتیبی	احساس نشاط و سرزندگی ناشی از حضور در کلاس درس	مدرسه		

۴- ویژگی‌های توصیفی نمونه مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه شامل ۵۰ درصد زن (معادل با ۱۸۰ نفر) و ۵۰ درصد مرد (معادل با ۱۸۰ نفر) بوده است. دانش‌آموزان مورد بررسی در سه رشته علوم انسانی (۳۰ درصد معادل با ۱۱۰ نفر)، علوم تجربی (۴۱ درصد معادل با ۱۴۸ نفر) و ریاضی-فیزیک (۲۹ درصد معادل با ۱۰۲ نفر) مشغول به تحصیل بودند. بنابراین بیشترین فراوانی مربوط به گروه علوم تجربی و کمترین فراوانی مربوط به گروه ریاضی-فیزیک بود، هر چند با گروه علوم انسانی نیز اختلاف معناداری ندارد. در بحث محل سکونت نیز داده‌ها نشان دادند که میزان دانش‌آموزان شهري بیشتر از دانش‌آموزان روستایی است. بعلاوه، بر اساس یافته‌های توصیفی، میزان سرمایه فرهنگی ۰/۳۱ درصد از دانش‌آموزان مورد بررسی، در حد پایین، ۰/۳۶ درصد در حد متوسط و ۰/۳۳ درصد از آنها در حد بالا بود. بنابراین، نسبتاً میزان سرمایه فرهنگی در بین دانش‌آموزان در حد متوسطی قرار دارد. در مورد سرمایه اجتماعی نیز داده‌ها نشان دادند که میزان سرمایه اجتماعی ۰/۲۲ درصد در حد پایین، ۰/۵۳ درصد در حد متوسط و ۰/۲۵ درصد در حد بالا بود. در نهایت پایگاه اقتصادی-اجتماعی ۰/۲۶ درصد از دانش‌آموزان در حد پایین، ۰/۴۶ درصد در حد متوسط و ۰/۲۸ درصد از آنها در حد بالا بود. بنابراین علاوه بر اینکه در هر سه متغیر توصیف شده، بیشترین فراوانی مربوط به حد متوسط طیف بود، اما، میزان فراوانی بخش بالای طیف در هر سه متغیر، بیشتر از بخش پایین آن بود. از این رو می‌توان گفت که میزان دسترسی و برخورداری دانش‌آموزان از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر روی یک طیف، در حد متوسط رو به بالا می‌باشد.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و درصدی ویژگی‌های توصیفی دانش‌آموزان

متغیرها	فراوانی	درصد
جنس	زن	۱۸۰
	مرد	۱۸۰
محل سکونت	شهر	۳۱۹
	روستا	۴۱
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۱۱۰
	علوم تجربی	۱۴۸
	ریاضی-فیزیک	۱۰۲
سرمایه فرهنگی	پایین	۱۱۲
	متوسط	۱۱۹
	بالا	۱۲۸
سرمایه اجتماعی	پایین	۸۰
	متوسط	۱۹۰
	بالا	۹۰
سرمایه اقتصادی	پایین	۹۴
	متوسط	۱۶۷
	بالا	۹۹

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- وضعیت توصیفی معدل تحصیلی دانش‌آموزان

جدول شماره ۳، بیانگر وضعیت معدل تحصیلی دانش‌آموزان در نیم سال قبل است. نتایج زیر، تجمیع نمره معدل دانش‌آموزان به تفکیک رشته و ارزیابی میانگین آن بر اساس رشته است. پاسخ‌های دانش‌آموزان به پرسشنامه نشان می‌دهد که معدل دانش‌آموزان رشته علوم تجربی بیشتر از دو رشته دیگر است. در مقابل، معدل تحصیلی دانش‌آموزان رشته ریاضی کمتر از همه است. البته معدل دانش‌آموزان رشته انسانی تفاوت چندانی با رشته ریاضی ندارد. بنابراین بین رشته‌های تحصیلی مختلف، در معدل کسب شده تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳- معدل تحصیلی دانش‌آموزان به تفکیک رشته‌های تحصیلی

رشته تحصیلی			معدل تحصیلی
ریاضی - فیزیک	علوم تجربی	علوم انسانی	
۱۷/۷۴	۱۸/۰۱	۱۷/۸۸	معدل نیمسال قبل

۵-۲- مطالعه و انجام تکالیف درسی در طول یک هفته

از پاسخگویان پرسیده شد مدت زمانی که در طول یک یک هفته گذشته، صرف مطالعه کتب و انجام تکالیف درسی نموده‌اید نسبتاً چقدر است، لطفاً به دقیقه پاسخ دهید. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴، زمانی که دانش‌آموزان صرف مطالعه می‌کنند، به تناسب با رشته تحصیلی‌شان تنوع و تفاوت می‌پذیرد؛ بدین صورت که میزان زمان صرف شده برای مطالعه و یا انجام تکالیف درسی در بین رشته‌های تحصیلی به یک اندازه نیست؛ مدت زمان صرف شده برای یک رشته نسبتاً زیاد و برای رشته‌ای دیگر کم است. بیشترین مدت زمان مطالعه و انجام تکالیف درسی مربوط به گروه تحصیلی ریاضی - فیزیک، و کمترین زمان صرف شده مربوط به گروه علوم انسانی است. گروه علوم تجربی نیز در میانه این دو قرار دارد. در واقع به نظر می‌رسد که تحصیل در رشته‌ای خاص، افراد را از دو جهت ایجابی و سلبی به خواندن بیشتر و یا کمتر وا می‌دارد. البته می‌توان این مسأله را به گونه دیگری نیز دید؛ به این صورت که می‌توان حدس زد افراد کم و یا بدون مطالعه به سمت رشته‌هایی خاص و افراد پُر مطالعه به سمت رشته‌هایی دیگر می‌روند. فهم دقیق‌تر موضوع، نیازمند پژوهش دقیق‌تر و تمرکز خاص و محدود بر این مسأله است.

جدول شماره ۴- مدت زمان صرف شده برای مطالعه و انجام تکالیف درسی به تفکیک رشته تحصیلی

رشته تحصیلی			مدت مطالعه و انجام تکالیف درسی
ریاضی	تجربی	انسانی	
۰/۲	۰/۳	۰/۶	عدم مطالعه و انجام تکالیف
۰/۵	۰/۷	۰/۸	نیم ساعت و کمتر
۰/۱۱	۰/۱۶	۰/۱۷	از نیم تا یک ساعت
۱۸	۰/۲۰	۰/۳۲	از یک تا دو ساعت
۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲۷	از دو تا سه ساعت
۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۱۰	سه ساعت به بالا

۵-۳- نگرش دانش‌آموزان به تحصیلات و مدرسه

نوع نگاه دانش‌آموزان به مدرسه، علم و تحصیلات، با سه گویه و پرسش مورد سنجش قرار گرفت. داده‌ها (جدول شماره ۵) نشان می‌دهند که حدود ۰/۵۸ درصد از دانش‌آموزان تمامی رشته‌ها با گویه‌ی علاقه به درس و مدرسه، موافق هستند، اما ۰/۱۶ و ۰/۲۶ درصد از آنها به ترتیب بی‌نظر و مخالف هستند، در زمینه‌ی احساس خستگی و بی‌حوصلگی از کلاس درس نیز، بیش از نیمی از دانش‌آموزان بیان کردند که از حضور در کلاس درس احساس خستگی و بی‌حوصلگی می‌کنند، و تنها حدود یک چهارم آنها از حضور در کلاس درس خسته نشده بودند؛ که این امر می‌تواند زنگ خطری برای وضعیت آموزشی در نمونه مورد نظر باشد. نتایج ارزیابی دانش‌آموزان از خود نیز نشان می‌دهد که بیشتر آنها وضعیت تحصیلی خود را در سطح متوسط رو به بالا توصیف می‌کنند. نتایج بیانگر پیچیدگی شرایط در بین نمونه مورد بررسی می‌باشد. دانش‌آموزان در حالی وضعیت تحصیلی خود را نسبتاً بالا توصیف می‌کنند که با بی‌حوصلگی و احساس کسالت، نسبت به مدرسه و کلاس درس رضایت چندانی ندارد.

جدول شماره ۵- نگرش دانش‌آموزان به تحصیلات، مدرسه و کلاس درس و احساس نسبت به آن

پاسخ‌های پنج گزینه‌ای گویه‌ها (طیف لیکرت)					گویه‌های مربوطه
کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌نظر	موافقم	کاملاً موافقم	به مدرسه و کلاس درس علاقه زیادی دارم.
۱۲/۶	۱۳/۵	۱۶	۳۳/۶	۲۴/۳	
خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	وضعیت تحصیلی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۸/۱	۱۰/۶	۳۸/۳	۲۴/۲	۱۸/۸	
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	از حضور در کلاس درس، احساس خستگی و بی‌حوصلگی می‌کنم.
۲۵/۳	۳۰/۷	۱۸/۱	۱۴/۶	۱۱/۳	

۵-۴- آزمون همبستگی بین متغیرهای تحقیق

برای بررسی ارتباط بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل تحقیق از آزمون همبستگی دو سویه پیرسون (که برای بررسی میزان و جهت رابطه بین دو متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد) استفاده شد. بر اساس نتایج بدست آمده که در جدول شماره ۶، ارائه شده است، بین دو مورد از متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته، همبستگی آماری معناداری وجود دارد. در واقع نتایج نشان می‌دهد که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، ارتباط نسبتاً قابل توجهی با وضعیت و برخورداری آنها از سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی دارد. اما همانطور که داده‌ها نشان دادند، بین سرمایه اجتماعی و عملکرد تحصیلی رابطه معناداری مشاهده نشد. بر اساس یافته‌های بدست آمده از آزمون پیرسون، در سطح معناداری ۹۹ درصد (و با مقدار پیرسون ۰/۳۱ برای سرمایه فرهنگی و ۰/۲۶ برای سرمایه اقتصادی) بین سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی دانش‌آموزان، وضعیت تحصیلی آنها بهتر، و با کاهش میزان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی آنها، عملکرد تحصیلی‌شان ضعیف‌تر می‌شود.

جدول شماره ۶- نتایج همبستگی دو سویه پیرسون متغیرهای مستقل و وابسته با یکدیگر

آزمون همبستگی	سرمایه اقتصادی		سرمایه اجتماعی		سرمایه فرهنگی	
	پیرسون	معناداری	پیرسون	معناداری	پیرسون	معناداری
عملکرد تحصیلی	۰/۳۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۵۷۹	۰/۲۶۶	۰/۰۰۰

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و مطالعه جامعه‌شناختی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج پرداخته است. برای توصیف و تبیین آن، از روش توصیفی-تحلیلی (کمی-پیمایشی) استفاده شد. نخست توصیفی از برخی جوانب این پدیده ارائه شد و در ادامه، برای تبیین آن، با توجه و تمرکز بر نظریه‌های پی‌بروردیو و بولز و جینتیس، ارتباط آماری سه‌گونه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج توصیفی، مشخص شد که معدل دانش‌آموزان رشته‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است؛ بدین صورت که معدل برخی از آنها بیشتر و برخی کمتر است؛ بر اساس نتایج، بیشترین معدل تحصیلی مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و کمترین آن، از آن دانش‌آموزان رشته ریاضی-فیزیک بود. نکته ابهامی که در اینجا وجود دارد این است که آیا تحصیل در یک رشته خاص باعث افزایش معدل و بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود و یا اینکه عملکرد مطلوب دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی پیشین، آنها را به سوی انتخاب رشته خاصی سوق می‌دهد. تجربه زیسته و نظر محققین گویای آن است که محتمل‌تر به نظر می‌رسد عملکرد دانش‌آموز در دوره‌های پیشین، آنها را به سمت انتخاب یک رشته خاص سوق می‌دهد. البته برای تبیین بهتر و بسنده‌تر این موضوع، به پژوهش‌های دیگری نیاز هست که مشخصاً به این امر بپردازند. نکته جالب توجه دیگر اینکه، این تفاوت در بین رشته‌ها، در میزان مطالعه دانش‌آموزان نیز خود را نشان می‌دهد؛ بدین صورت که دانش‌آموزان رشته ریاضی-فیزیک از بیشترین و در مقابل، دانش‌آموزان رشته علوم انسانی از کمترین میزان مطالعه برخوردارند. اما نکته مهمتر اینکه، بین میزان مطالعه و معدل تحصیلی انطباق و همسوئی وجود ندارد. دانش‌آموزان رشته ریاضی-فیزیک با بیشترین میزان مطالعه، کمترین معدل تحصیلی را کسب کرده‌اند و در مقابل، دانش‌آموزان رشته علوم تجربی، با بیشترین معدل تحصیلی، از لحاظ میزان مطالعه در رتبه دوم و بعد از دانش‌آموزان ریاضی-فیزیک قرار می‌گیرند. روشن شدن این ابهامات، پژوهش دیگری با تمرکز ویژه بر این موضوعات می‌طلبد. در بخش توصیفی پژوهش، به نگرش دانش‌آموزان درباره مدرسه و تحصیل نیز پرداخته شد، که این امر در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده بود. بر اساس یافته‌های به دست آمده مشخص شد که تنها حدود نیمی از دانش‌آموزان به مدرسه و تحصیل علاقمندند. این نتیجه می‌تواند هشدار باشد به متولیان و دست‌اندرکاران امر آموزش و پرورش در کشور، که چه سازوکارهایی منجر به آن شده که کسر کثیری از دانش‌آموزان نسبت به درس و مدرسه احساس مطلوبی نداشته باشند. جای خالی پژوهش‌های استراتژیک و سیاست‌گذارانه در این زمینه خالی است و نیاز به آن به جد احساس می‌شود. با این حال، تنها کمتر از یک پنجم دانش‌آموزان از وضعیت تحصیلی خود رضایت کافی نداشته‌اند. و چهار پنجم باقیمانده، وضعیت تحصیلی خود را متوسط و رو به بالا توصیف کرده‌اند. اما نکته دیگری که همسو با کمبود میزان علاقه به درس و مدرسه، داده‌های به دست آمده بر آن صیحه می‌گذارند این است که حدود نیمی از دانش‌آموزان از حضور در کلاس درس، احساس خستگی و بی‌حوصلگی می‌کنند. به نظر می‌رسد، این دانش‌آموزان همان‌هایی باشند که علاقه چندانی به تحصیل و مدرسه ندارند. بنابراین برای رفع این مسأله، حتماً باید چاره‌ای اندیشیده شود؛ چرا که حتی اگر بتوان این نتایج را نه به کشور و استان، حداقل به همه‌گی دانش‌آموزان شهر یاسوج تعمیم داد، به نظر می‌رسد آینده چندان روشنی پیش‌روی بخش علم و فرهنگ این شهر نخواهد بود.

در بخش استنباطی پژوهش به بررسی رابطه سه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته شد؛ نتایج بدست آمده گویای ارتباط مستقیم و معنادار دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی و ارتباط مستقیم اما غیرمعنادار سرمایه اجتماعی با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان است. همانطور که در چارچوب نظری پژوهش آمد، بر اساس نظریه بوردیو، عملکرد تحصیلی، امری سیال و پیش‌بینی‌ناپذیر و مبتنی بر رفتارهای غیرقابل تبیین زندگی روزمره نیست، بلکه برعکس، امری قابل تبیین بر اساس متغیرهای اجتماعی است. مثنیها نتایج بدست آمده در این پژوهش، اندکی با نظریات بوردیو تفاوت داشت؛ در حالی که بوردو قائل به تبیین، جهت‌دهی و شکل‌دهی سه سرمایه مذکور به عملکرد و پیشرفت تحصیلی بود، در این پژوهش، سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان نداشت. نظریه بولز و جینتیس نیز در این پژوهش تأیید شد؛ این دو تنها قائل به ارتباط وضعیت اقتصادی با عملکرد تحصیلی بودند که همانطور که نشان داده شد در این تحقیق بین دو متغیر مذکور ارتباط معناداری وجود داشت. اما معنادار نبودن ارتباط سرمایه اجتماعی با متغیر وابسته در این پژوهش،

نکته ابهامی است که نیازمند توضیح بیشتری است. شهر یاسوج یکی از شهرهای کشور است که معمولاً در پیمایش‌های ملی، در رده‌های نخست بر خورداری از سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. غالباً بر خورداری مساوی و نسبتاً همه‌گیر مردم از یک امر خاص، تقریباً تأثیر آن بر امور دیگر را غیرقابل مشاهده می‌کند. چرا که، زمانی اثر یک متغیر خاص بر پدیده دیگری قابل سنجش است که میزان بر خورداری مردم از آن متغیر، به یکسان نباشد. در تعریف خود واژه متغیر نیز آمده است که متغیر امری است که تغییر می‌کند. بنابراین اثر یک امر همه‌گیر، اصولاً قابل سنجش نیست؛ البته منظور این نیست که زمانی که پدیده‌ای که همه‌گیر گشت، دیگر اثرات چندانی بر سایر پدیده‌ها ندارد، بلکه صرفاً نمی‌توان آن را سنجید. در این مورد خاص نیز، با فرض اینکه اکثریت دانش‌آموزان از سرمایه اجتماعی متوسط و رو به بالایی برخوردارند و در بین آنها نمی‌توان طیفی از سرمایه اجتماعی خیلی کم تا خیلی زیاد مشاهده کرد، می‌توان ارتباط غیرمعنادار سرمایه اجتماعی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین، و سازوکار آن را فهم و درک کرد.

منابع

۱. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۲. خیر، محمد (۱۳۷۶)، بررسی رابطه برخی از شاخص‌های طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی گروهی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره دوم، صص: ۷۶-۱۱۲.
۳. حجازی، یوسف (۱۳۸۳)، نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی در موفقیت تحصیلی و شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص: ۲۷-۴۲.
۴. میرزابیگی، حسنعلی (۱۳۹۳)، در جستجوی مدل برنامه درسی برای رشد سرمایه فرهنگی خانواده و موفقیت تحصیلی فرزندان، شماره ۲، سال ۴، صص: ۸۵-۱۱۰.
۵. خدایی، ابراهیم (۱۳۸۵)، بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش‌آموزان با احتمال قبولی آنها در آزمون سراسری، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴، صص: ۳۹-۲۳.
۶. نوغانی، محسن (۱۳۸۲)، تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱، صص: ۶۹-۴۸.
۷. حقیقتیان، منصور (۱۳۹۳)، سرمایه فرهنگی و بازتولید بین نسلی: تأثیر سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان در شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال نهم، شماره ۲۱، صص: ۷۰-۵۳.
۸. قاسمی، وحید و مریم کاظمی (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه‌شناختی نقش خانواده در ایجاد سرمایه اجتماعی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، شماره ۱، صص: ۲۱۸-۱۸۹.
۹. حقیقتیان، منصور، فرشته حقیقت، سید رسول قریشی و پروانه محسنی پور (۱۳۹۰)، تأثیر روابط خانوادگی بر بهداشت روانی فرزندان در شهر اصفهان، مجله تحقیقات نظام سلامت سال هفتم، شماره ۳، صص ۱۱-۱.
۱۰. بابایی فرد، اسدالله، حیدریان، امین (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص: ۱۴۲-۱۱۷.
۱۱. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش؛ دیروز، امروز، فردا، تهران: نشر علم.
۱۲. جان‌علیزاده چوب بستی و همکاران (۱۳۹۰)، سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی: ارزیابی تجربی مدل‌های نظری، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۱ (۲)، صص: ۱۰۴-۸۳.
۱۳. عزیزی نژاد، بهاره (۱۳۹۲)، قشربندی اجتماعی بر پایه سرمایه فرهنگی و اجتماعی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه ارومیه، همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی.

۱۴. کاووسی، خراسانی (۱۳۸۹)، اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، *مجله مدیریت فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۸، صص: ۸۵-۱۰۵.
۱۵. شارع پور، محمود (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. خدیوی، اسدالله، و کیلی مفاخری، افسانه (۱۳۹۰)، رابطه بین انگیزه پیشرفت، منبع کنترل، خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول متوسطه نواحی پنجگانه تبریز، *فصلنامه علوم تربیتی*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص: ۴۵-۶۶.
۱۷. ثمری، علی اکبر و طهماسبی، فهیمه (۱۳۸۶) بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، دوره نهم، شماره ۳۵، صص: ۱۲۸-۱۲۱.
۱۸. سالارزاده، نادر، و محبوبی، رضا (۱۳۸۸)، مقایسه نقش سرمایه اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر ارومیه، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۷، صص: ۲۷۱-۲۲۹.
19. Smith, Mark Holland (1993), *Family characteristics, social capital and college attendance*, Dissertation abstract.
20. Teach man J.D. Peach. K; Carve. K (1996). Social Capital and Dropping Out of School Early, *Journal of Marriage and Family*. VO: 58, No: 9.
21. Coleman, James (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, *American Journal of Social* ,VO: ۴, No: ۲.
22. Harackiewicz, J.M., and Barron, K.E., and Carter, S.M., and Lento, A.T., and Elliot, A.J., (1997). Predictors and consequences of achievement goals in the college classroom: Maintaining interest and making the grad, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.73, pp.1284-1295.
23. Farahany, F. M. N. (1994). *The relationship of locus of control, Extraversion, Neuroticism with the academic achievement of Iranian students. For the degree of Doctor of Philosophy the university of new soutanes Australia.*
24. Lin, N. (1976), *Foundation of Social Research*. New York: MC-Grew Hill.

Sociological Study of Educational Status of high-school students in Yasuj City

Ehsan Khanmohammadi ¹, Sayad Kheradmand ²

¹ *Phd Student in Sociology at Yasuj University, Yasuj, Iran*

² *M.A Student in Sociology, at Yasuj University, Yasuj, Iran*

Abstract

Considering human capital as one of the indicators of human development and the importance of education, this paper examines the educational status of high school students in Yasuj. The research method was survey and data gathering tool was a questionnaire. The sample size is determined based on the Lin formula (1976). To access them, a multi-stage stratified sampling method has been used. The results show that both the grade and the degree of study vary from one discipline to another. The results also show a lot of complexity about feeling and attitudes toward school. The results also showed that there is no significant relationship between social capital and educational status. But the relationship between cultural capital and economic capital with educational status is positive and significant. So, for the decision making and policy making on science and education, you should pay attention to the amount of those capitals.

Keywords: Educational Status, Social Capital, Cultural capital, Economic Capital.
